

دکتر طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در یک برنامه تلویزیونی تشریح کرد

# سال بهبود شفافیت، پاسخگویی و اشتغال‌زایی برای دانشجویان

صفحه ۶ را بخوانید

فرارسیدن اربعین حسینی را به عموم محبان اهل بیت تسلیت می‌گوییم

روزنامه خبری-تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
تهران ۲۰۰۰ تومان  
شهرستان‌ها و واحدهای  
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

# فرهنگستان

شماره مسلسل ۳۸۹۲  
چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹  
۱۹ صفر ۱۴۴۲  
۱۷ اکتبر ۲۰۲۰  
شماره ۳۱۵۴

www.fdn.ir | Wed | 7 Oct 2020 | vol.12 | No. 3154 | 16 Pages

اربعین امسال، عراقی‌ها به نیابت از امت واحد حسینی در طریق کربلا گام برمی‌دارند

# ای روزگار سخت‌گرفتی بر عاشقان

۱۲ ۱۳



جلسه دوم دادگاه محمد امامی علنی برگزار شد

## هیولای خوش‌اشتهای وام‌خواری

۱۸

حامیان سران قوادگیر یک چالش بی‌منطق شده‌اند

## سوژه روز: چگونه جلسه سران قوا برگزار کنیم

۱۷

امروز تکلیف بزرگ‌ترین حراج رانتی شمال شرق کشور مشخص می‌شود؟

## عملیات نجات مغان



با وجود گذشت ۱۰ سال از درگذشت مرحوم ایرج افشار هنوز قدر و قیمت مجاهدات علمی او بر ایرانیان پوشیده است

## برای تاریخ

رادر کتاب‌نیاوردم ولی مصرم به اینکه هستی، جوابی به او گفتم که باستانی احتمالا ممکن است آن را نوشته باشد یا روزی خواهد نوشت. این گونه حدس و شایعه که در دل راتین جا گرفته بود تا جایی رسوب کرده بود که موقع تقاضای امتیاز مجله آینده (سال ۱۳۵۸) در پرونده آینده منعکس شده بود، یعنی حاشیه‌نشینان نامه‌هایی در آن بارنوشته بودند. پس با نوشتن توضیح مودک که والله‌بالله نیستم که نیستم امتیاز صادر گشت. در اینجا افشار خود به این نکته که ارادت او به تقی‌زاده سبب چنین سوءبرداشت‌هایی شده صحه می‌گذارد: «البته طبعاً احترام خاصی که همواره برای تقی‌زاده قائل بودم و عنایتی که ایشان نسبت به من داشت این شبها تا امیان دوستانم رواج می‌داد. از جمله یکی از آنها به تعریض و کنایه در مجله یغما خواسته بود مرا جزء جمعیتی به‌شمار درآورد برای آنکه خود را برمی‌کند. من خود در جوانی اشخاصی چون دکتر علی‌اکبر سیاسی یا دکتر سیدفخرالدین شادمان را از آن قبیله می‌دانستم و بعدها که هم‌نشینی دوستانه ما هانه با آنها یافتم ملفتش شدم که با خیال و توهم و قبول آسان گرفتن شرابعای چنان شبهه‌هایی درباره آنها در ذهنم جا گرفته بود. ولی دو یا سه بار در حلقه دوستانه چهارشنبه که صحبت از فراماسونری پیش آمده بود دیدم آن دو مرد شریف با نظری که امری از می‌کنند ادنی نزدیکی با آن طرز فکر نداشته‌اند. ولی نزد سادگانندیشان آسان بود که به ملاحظه بودن شادمان در لندن و نزدیکی به تقی‌زاده، شادمان را فراماسون بدانند. حتی بعضی از جوان‌ها معتقد بودند مجتبی‌مینی هم فراماسون بوده است. زیراتقی‌زاده در حق مقام علمی او معرفی‌نامه مستحکمی به وزارت فرهنگ نوشته بود.» هرچند گفتار خود افشار برای بسته شدن این پرونده کفایت می‌کند اما بد نیست مطلبی که اکبر ایرانی، مدیرعامل مرکز میراث مکتوب در آیین نکوداشت افشار در ۱۹ اسفند ۹۴ بیان کرده را نیز بازگو کنیم. ایرانی در سخنرانی خود با درآدم فراماسون بودن افشار گفت:

«در سال‌های ۶۲ و ۶۳ دو کامیون کتاب از مرکز تحقیقات فارسی پاکستان برای فروش توسط بانک افشار که کتابفروشی تاریخ داشت، فرستاده شده بود. مدیر بین الملل وقت وزارت ارشاد گفته بود چون ایرج افشار فراماسون بوده نامنی توانم اجازه ترخیص این کتاب‌ها را بدهیم. بانک افشار خاطره جالبی را برای آل داوود نقل می‌کند. وی نقل می‌کرد پدرم به من گفته بود وقتی بعد از ظهر دارم استراحت می‌کنم اگر کسی زنگ زد مرا بیدار نکن مگر تقی‌زاده. روزی با نااحتی آمد و گفت که حتی اگر آقای تقی‌زاده هم زنگ زد مرا بیدار نکن. پرسیدم چرا؟ گفت چون مرا به عضویت در ماسونیت دعوت کرده‌اند و من از این کار بیزارم. آل داود نقل می‌کرد رفتم این موضوع را به مدیر بین الملل ارشاد وقت گفتم و وی هم گفت پس ما استعمال می‌کنیم. دوماه بعد اجازه ترخیص کتاب‌ها را دادند و گفتند پاسخ استعمال هم منفی بود.»

کلام آخر اینکه رهبر معظم انقلاب ۹ ماه پیش از درگذشت ایرج افشار با این محقق بزرگ فرهنگ ایرانی دیدار کردند. غلامعلی حدادعادل درخصوص این دیدار می‌گوید: «آقا حدود ۹ ماه قبل از درگذشت ایرج افشار، ملاقاتی با آن مرحوم داشته‌اند که به پیشنهاد خود آقا بوده است. ایشان یادداشتی برای آقای افشار فرستاده بودند که من مایلم شما را ملاقات کنم و وی هم قبول کرده بود. آقا در دیدار با آقای افشار به ایشان گفته بودند: «من از دورانی که شما مدیر مجله سخن بودید، مقالات و نوشته‌های شما را می‌خواندم تا بعد در مجله راهنمای کتاب و... من نشر فارسی شما خوشم می‌آید چون خون دار و جان دار است و نشر دل‌پذیر و درست و دانشینی می‌نویسید.» یعنی یکی از چهراتی که ایشان به آقای افشار احترام می‌گذاشتند، قدرت قلم او بود.

حال باید دید دیدار رهبری با افشار را چگونه باید تفسیر کرد؟ دیدار رهبری جهان اسلام با یک فراماسون با با محقق که عمر خود را صرف خدمت به خاک خود کرد، تا مصداقی برای «حب‌الوطن من‌الایمان» باشد.

شازدهم مهر امسال، نودوپنجمین سالروز تولد زنده‌یاد استاد ایرج افشار است. ۱۸ اسفند امسال که بایید

۱۰ سال از مرگ این پژوهشگر بزرگ فرهنگ و ادبیات ایران زمین می‌گذرد و کماکان نه تنها قدر او و هنرش بر ایرانیان آشکار نشده بلکه دهان یاهه‌گویان برای نشر اکاذیب درخصوص زندگی پربار و پویا و کماکان باز است. اگر بتوانیم بدیلی برای افشار در زمانه خود قائل شویم، تنها نام دکتر محمدعلی موحده‌ی ذهن متبادر می‌شود که عمر خود را وقف خواندن و نوشتن کرده است.

از مشهورترین این اکاذیب، ادعای انتساب ایرج افشار به فراماسون‌هاست. ارادت ایرج افشار به زنده‌یاد سیدحسن تقی‌زاده احتمالاً مهم‌ترین دلیلی است که سبب شده عده‌ای او را فراماسون بدانند. ۱۱ مهر ۱۳۹۵ روزنامه کیهان پس از پخش مستند «فرزانه فروتن ایران مدار ما» به کارگردانی سیدجواد میرهاشمی از تلویزیون، نوشت: «فیلم مستند «فرزانه فروتن ایران مدار ما» برای چندمین بار از شبکه مستندسینما پخش شد. مستندی درباره ایرج افشار که اگرچه به‌قول خودش هیچ گاه به عضویت تشکیلات فراماسونری درنیامد اما در طول عمر خود، همواره ستایشگر فراماسون‌ها در نوشته‌ها و مکتوباتش بود و بسیاری مقالات و مطالب درباره آنها نوشت و برخی نوشته‌ها و مقالات آنها را به چاپ رساند. مثل خاطرات ظهیرالدوله، مقالات محمدعلی فروغی، نامه‌های ادوارد براون به تقی‌زاده، نامه‌های قزوینی به حسن تقی‌زاده، سخنانی درباره فروغی، یادگار نامه‌های «ابراهیم پورداوود»، مقالات تقی‌زاده، یادداشت‌های قزوینی، یادنامه دکتر پرویز ناتل خانلری و...»

این ادعا را به‌سادگی می‌توان پرسوزال برد. در تمامی آثاری که در متن فوق از آنها نام برده شده است، افشار صرفاً به جایگاه علمی و هنری شخصیت مورد بحث می‌پردازد و ذره‌ای درباره گرایشات اعتقادی شخص صحبتی نمی‌کند چرا که شخصیت افشار این‌گونه بوده است. او با به رشته تحریر درآوردن تمام این آثار تلاش کرده خدمتی به فرهنگ ایران کند نامه‌های ادوارد براون یا یادداشت‌های قزوینی نیز نظر به همین هدف دارند نه اینکه قرار باشد کسی با خواندن مقالات سیدحسن تقی‌زاده فراماسون شود! بین یادگارهایی که پس از مرگ ایرج افشار از او باقی ماند، دفتری به‌عنوان «این دفتر بی‌معنی» است که خاطرات و یادداشت‌های افشار را در برمی‌گیرد. بخش‌هایی از این دفتر در شماره ۸۰ مجله بخارا در قالب «تازه‌ها و پاره‌های ایران شناسی» به چاپ رسیده که بهترین جوابی برای یاهه‌گویان است:

«روزی اسمعیل راتین که هنوز کتاب هیاهوآور فراماسونری را چاپ نکرده بود به دفتر انتشارات دانشگاه آمد و گفت میان او را قوی که در لندن خریدم یا کسی به من داد نامه‌ای از پدرت به علیقلی‌خان مشاورالملک یافتم و آن را یادگار سفر برایت آورده‌ام. لطف کرد و من هم آن را به پدرم دادم. پس از آن گفت سوالی هم دارم. گفتم بفرما. گفت کتابی در دست نوشتن و چاپ کردن در باره فراماسونری ایران و توانسته‌ام لیست اعضای لژهای مختلف را به دست بیاورم و در آن چاپ می‌کنم ولی نام تو را در آنها ندیده‌ام. چون می‌دانم که فراماسون هستی آدمم بپرسم و بنویسم. گفتم من جزء آنها نیستم. گفت خیر هستی و من نام تو را می‌نویسم. چرا حاشا می‌کنی؟ گفتم نیستم و بدان که اگر بنویسی شکایت جزایی خواهم کرد. کتاب را منتشر کرد و نامی از من نبرده بود. اما بی احتیاطی کرده و نام دکتر دجیحی مهدوی را برده بود و موجب شد مهدوی در روزنامه اطلاعات توضیحی متین و استادانه نوشت و از آن نسبت خود را رها نیند.

سال‌ها گذشت که راتین را ندیدم تا اینکه چندی پس از انقلاب به ایران آمد و در هتل نادرشاه زندگی می‌کرد. روزی باستانی پاریزی گفت راتین آمده است، برویم او را ببینیم. با هم رفتیم و تجدید دیداری شد. اما با من می‌گفت: «فلائی اگر چه گفتمی که نیستم و نامت

نقد باشد و ۲ سال تنفس یعنی هیچ پرداختی انجام نشود و بعد از دوسال طی اقساط ۹ ماهه با سود ۱۴ درصد الباقی هزار و ۷۴۰ میلیارد تومان پرداخت شود. من اینجا اصلاح کنم که رقم اولیه هزار و ۸۴۰ میلیارد تومان است. درحالی که این هم خلاف قانون است یعنی وقتی می‌خواهید مجدداً مالی را به مزایده برید باید به نرخ روز کارشناسی کنید که تفاوت چندین هزار میلیارد تومانی هم مشخصاً از ایرادات جدی و اساسی این واگذاری است. نکته دیگر این است که تخفیف ۵۴ درصدی برای این واگذاری قائل شدند. مضاف بر این کسی را برنده اعلام کردند که دارای اهلیت و تخصص لازم نیست. همان‌طور که بیان کردم این شرکت قطب کشاورزی و دامپروری کشور است. برنده مزایده چه کسی است؟ کسی است که در امور شکلات‌سازی و بیسکویت‌سازی تبحر دارد و صاحب شرکت شیرین‌عسل است و تخصص و اهلیت لازم را در این خصوص ندارد و قطعاً نمی‌تواند کارایی و بهره‌وری لازم را از این نگاه بزرگ اقتصادی و دامپروری به‌دست بیاورد و نتیجه این می‌شود که از اهداف خصوصی‌سازی و واگذاری در این زمینه کاملاً دور می‌شویم. اخیراً که رئیس محترم قوه قضائیه بازدید میدانی از این مرکز بزرگ کشاورزی و دامپروری داشتند از نزدیک با مسائل و مشکلات و ایرادات آشنا شدند و دستور مهم دادند که در پی این دستورات فردا قرار است هیات داوری اظهار نظر کند. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از بروز این ایرادات و اشکالات باید بعد از نظارتی در این امر پزنگ‌تر شود. اساساً در خصوصی‌سازی‌ها و واگذاری‌های بخش‌های دولتی باید نهادهای نظارتی را قبل از هر تصمیمی و اعمال آن تصمیم نقش پررنگ‌تری بدهیم که کمی در اینجا با خلأ قانونی مواجه هستیم.

یعنی سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان نهاد ناظر بر حسن اجرای قوانین در کشور باید قطعاً در همه این تصمیم‌گیری‌ها حضور و نظارت داشته باشد. همچنین هیات مستشاری دیوان محاسبات از طرف مجلس شورای اسلامی باید حضور پررنگ‌تری در این موارد داشته باشد تا بعد از وقوع حادثه و اتفاق در پی علاج نیاشیم یعنی علاج واقعاً را قبل از وقوع کنیم. اصطلاح معروفی به‌نام خصلتی‌سازی باب‌شده که در واقع واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی‌های قومی، قبیله‌ای، عشیره‌ای، سیاسی و جناحی است. جناحی نه لزوماً بعد سیاسی که بعد منفعت کلان اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که این، اقت این مساله است. در نمونه‌های مشابه دیگر هم مثل نیشکر هفت‌تپه خوزستان شاهد این هستیم که اساساً باب مفصل‌تری را می‌طلبد و مجال بیشتری را برای پرداختن به آفات کلی این قضایا نیاز دارد. نکته مهم دیگری که به نظر می‌رسد باید حتماً به آن اشاره و در نظر گرفته شود که البته خلأ قانونی داریم، باید مالکیت برنده مزایده یا خریدار را در پروژه‌های عظیم ملی که به بخش خصوصی واگذار می‌شود معلق بگذاریم و مشروط به حفظ و افزایش بهره‌وری واحد کنیم. یعنی بگوییم اگر در ۵ سال آینده توانستید وضعیت موجود را افزایش دهید و بهره‌وری و اشتغال را بیشتر کنید، آن وقت مالکیت شما مستقر می‌شود. یعنی تعهد برای افزایش بهره‌وری و توان واحد واگذار شده اخذ شود. در غیر این صورت طی تشریفات قانونی مالکیت را از خریدار سلب کنیم که متأسفانه این خلأ قانونی را در این زمینه داریم. یعنی کسی که برنده مزایده و خریدار می‌شود می‌خواهد حقوق مالکانه خود را اعمال کند و در اموال شخصی و خصوصی می‌تواند هرطور که خواست نسبت به ملک خود اعمال نظر کند، ولی اموالی که متعلق به مردم است و جنبه ملی و قطب اقتصادی، کشاورزی دارد و دارای ابعاد امنیتی است قطعاً باید به لحاظ قانونی موارد و تضمین‌هایی را در نظر بگیریم که بعد از فروش و واگذاری رها نشوند و فرد آن‌طور که در ملک شخصی خود می‌خواهد دخالت و اعمال سلیقه کند، نتواند در این موارد اعمال حقوق شخصی مالکانه خود را داشته باشد.

ادامه در صفحه ۱۶

اساساً بحث خصوصی‌سازی و واگذاری نگاه‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی در راستای اصل ۲۴ قانون اساسی



رسول کوهپایه‌زاده  
حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری

به‌منظور تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری دولت و همچنین افزایش رقابت‌پذیری و بالا بردن بهره‌وری و کارایی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری و نهایتاً افزایش عدالت اجتماعی بی‌ریزی و اجراضد. به‌این معنا که دولت به‌مسائل حاکمیتی بپردازد و بخش خصوصی که انگیزه، توان، چابکی، امکانات و تعاملات بیشتری با بخش‌های داخلی و خارجی دارد به‌عنوان ذی‌نفع ورود باید که نهایتاً اقتصاد از کارایی بالاتری برخوردار شود اما متأسفانه این موضوع از ابتدا هم با آفات زیادی روبه‌رو بود، هم از نظر اقتصادی، سیاسی، امنیتی و هم تقنینی و خلأ قانونی و بعضاً ضعف‌های نظارتی باعث شد اصل خصوصی‌سازی از هدف اولیه خود دور شود و نه تنها امتیازات و نکات مثبتی که قرار بود تحصیل شود به‌دست نیامد، بلکه آفاتی هم به‌وجود آورد و به‌ضد ارزش و اهداف اولیه خود تبدیل شد. به‌طور مشخص در ارتباط با شرکت دشت مغان و خصوصی‌سازی آن که ابطال واگذاری‌اش مطرح شد و اکنون منتظر تصمیم هیات داوری در این خصوص هستیم، چند نکته را باید مورد توجه قرار دهیم. اول اینکه شرکت مذکور قطب مهم تولیدات محصولات کشاورزی در کشور است به‌خصوص بحث گندم که محصولی استراتژیک محسوب می‌شود. نکته دوم اینکه این منطقه و شرکت در منطقه صفر مرزی قرار دارد که دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و امنیتی است. به‌دلیل میزان اشتغالی که آنجا ایجاد کرده بحث اشتغال یا عدم اشتغال و بیکاری کارگران هم می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و امنیتی در این موضوع مدنظر قرار گیرد. به‌لحاظ میان‌تاریخچه برگزاری مزایده و واگذاری نوبت اول که مزایده برگزار شد، مردادماه ۹۷ بود و برنده مزایده شرکتی اعلام شد که این شرکت و صاحبان آن از بدهکاران کلان بانکی محسوب می‌شدند که در این مزایده با مداخله وزارت اطلاعات و انصراف خریدار از ادامه حضور در روند واگذاری ابطال شد. در واقع مزایده برگزار شده در مرداد ۹۷ باطل اعلام شد. بعد از آن هیات وزیران در ۲۹ مهرماه ۹۷ مقرر می‌کند سازمان خصوصی‌سازی برای واگذاری کشت و صنعت مغان باید نظر وزارت اطلاعات را جلب کند و پس از جلب نظر وزارت مذکور مطابق قانون در این خصوص عمل کند. متأسفانه ایرادات و اشکالات حقوقی و قانونی زیادی، به‌واگذاری این شرکت به شخص حقیقی صاحب شرکت شیرین‌عسل وجود دارد. به‌این معنا که اولاً وقتی می‌گوییم مزایده‌ای باطل می‌شود به‌لحاظ حقوقی انگار هیچ اثری بر آن مترتب نیست. یعنی هیچ موجودیتی پیدا نکرده و از صفرتاصد مزایا باطل می‌شود و قطعاً باید وفق قوانین و مقررات مزایده‌دومی دیگری را رعایت تشریفات قانونی برگزار شود. ولیکن متأسفانه مزایده دوم برگزار نمی‌شود و سازمان خصوصی‌سازی در یک اقدام کاملاً خلاف قانون نفر دوم شرکت‌کننده در مزایده اول را که اساساً ابطال شده به‌عنوان برنده اعلام می‌کند. این هم اشکال حقوقی و قانونی دارد و هم زمانی که آن شرکت در زمان مزایده اول طبق نظر کارشناس برآورد قیمت شده بود با زمانی که اینها خواستند مجدد واگذاری کنند با توجه به تفاوت نرخ ارز و افزایش قیمت و تورم موجود، شرکت تفاوت قیمت بسیاری پیدا کرده بود اما آن را بر اساس همان قیمت قبلی کارشناسی واگذار کردند. قیمت قبلی کارشناسی هزار و ۷۴۰ میلیارد تومان برآورد شده بود که گفته می‌شود قیمت واقعی ۴ هزار میلیارد تومان و حتی بعضاً ۸ هزار میلیارد تومان است. این هزار و ۷۴۰ میلیارد تومان هم به‌این شکل پرداخت شود که ۱۰۰ میلیارد